

## ناهنجاری های اجتماعی و پیامدهای آن در دوره سلجوقی با تاکید بر دیوان سنایی<sup>۱</sup>

محمد علی شریفیان<sup>۱</sup>، رویا بهادرانی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیروان

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی واحد شیروان

### چکیده

عصر سلجوقی از دوره های پر آشوب سیاسی و اجتماعی ایران است، ایرانیان به علت حملات پیاپی بیگانگان و جنگ های خونین، دچار آسیب های مختلف اجتماعی و فردی شده بودند. از آن جا که متون تاریخی به علت ماهیت آن شاید در خصوص بعضی حوادث و اتفاقات سکوت اختیار می کند متون ادبی به دلیل قابلیت استفاده از همه ابزارهای بیانی می تواند در کنار متون تاریخی، مکمل آن باشد. از میان آثار ادبی عصر سلجوقی دیوان سنایی غزنوی به علت این که این شاعر بلند آوازه و مصلح از نزدیک با وضع دربار و نیز وضع مردم آشنا بوده است یکی از بهترین متونی است که ما را در شناخت هنجارها و نابهنجاری های عصر سلجوقی می تواند یاری رساند. این مقاله با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی به تجزیه و تحلیل ناهنجاری های سیاسی، اجتماعی و اخلاقی عصر سلجوقی بیانگر آن است که در عصر سلجوقی بسیاری از ناهنجاری ها رواج داشته و گاه ارزش محسوب می شده است. شاعر مصلح و عارف شهیر، سنایی، جسورانه از دگرگونی ارزش های اجتماعی و اخلاقی لب به اعتراض گشوده و در کنار مذموم دانستن آن، تشویق به اصلاح آن کرده است.

واژه های کلیدی: سنایی غزنوی، ناهنجاری ها، عصر سلجوقی.

<sup>۱</sup> داوری و گزینش توسط کنگره بین المللی زبان و ادبیات مشهد

## ۱- مقدمه

سنایی غزنوی از جمله شاعرانی است که از دربار و مداحی فاصله گرفت و به مردم نزدیک شد. وی که سال‌ها ناظر و شاهد سرمنشأ وقایع، تحولات و دگرگونی‌های اجتماع بود و بازتاب رفتار حاکمان و شاهان را در جامعه مشاهده می‌کرد. پس از بریدن از دربار و گرایش هب مردم، سعی کرد در اشعار خویش به مشکلات و معضلات اجتماعی بپردازد او از درون جامعه آگاه بود نه تنها واقعیات تلخ جامعه را کتمان نکرد بلکه با بهره‌گیری از جایگاه اجتماعی خویش نقادانه جامعه‌ی پیرامون خود را به بوته‌ی نقد کشید. وی گاهی پوشیده و گاه به صراحت، جسورانه و معترضانه به انتقاد زمانه و اهل آن پرداخت تا شاید جامعه را بیدار ساخته و به بازسازی آن بپردازد. سنایی شعر خویش را برای جنبش‌های اجتماعی به کار می‌برد. از شاخصه‌های برجسته شعر سنایی که باعث درخشش وی در میان دیگر شاعران گشته خلایق و جسارت وی در خلق اشعار انتقادی است.

روزگار سنایی، مصادف با حمله، غلبه و سیطره ترکان سلجوقی بر ایران و ایرانی بود. تسلط مداوم و حملات مکرر به ایران سبب شد، ایرانیان انگیزه‌ی پیشین خود را در برابر استقلال کشورشان از دست بدهند. تضعیف روحیه آنها، راه را برای اطاعت از هر غلام و شاهزاده‌ای هموار می‌ساخت. پادشاهان دوره سلجوقی، فاسد و دارای رذائل اخلاقی بسیاری بودند آنها مردمی ظالم، خونریز، شرابخوار، خوشگذران و برجان و مال مردم مسلط بودند. «به قول ابوالفضل بیهقی، مثنی نوخاسته بودند که از بی‌تدبیری دربار مسعود و کج‌رایی و جباری آن پادشاه استفاده کردند.» (مهربان، ۱۳۸۷: ۲۴۵) و بر مردم مسلط شدند و حکومتی دیکتاتوری که سلطان در رأس هرم قدرت قرار داشت بنا نهادند. در این نوع حکومت بعد از سلطان «ملکان قرار داشتند و پس از آن نوابان وی. در حقیقت پس از ملک‌ها، مقطعان، متصرفان و گماشتگان سهم‌مهی در قدرت سیاسی دارا بودند. و در قاعده‌ی هرم قدرت، توده مردم، (رعیت) قرار می‌گرفتند.» (قدیانی، ۱۳۸۴: ۱۶۵) که هیچ سهمی در قدرت نداشتند.

این ساختار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و نیز رفتار حاکمان و حوادث و عوامل مختلف، سبب بروز ناهنجاری و هنجار شکنی‌هایی در جامعه شد که در متون تاریخی به بخشی از آن پرداخته شده است اما باید گفت یکی از متونی که می‌تواند ما را از اوضاع سیاسی اجتماعی هر عصری آگاه کند و بتوان به آن اعتماد کرد متون ادبی است، زیرا به دلیل ماهیت این متون کمتر تیغ سانسور دامن حقیقت و راستی آن را شکافته است و ادبا خصوصاً شعرا با استفاده از ابزارهای بیانی به صورت مستقیم و غیر مستقیم به وضع سیاسی و اجتماعی عصر خویش اشاره کرده‌اند. در این مختصر به دنبال سیمای عصر سلجوقی در آیین شعر (با تأکید بر دیوان سنایی) هستیم زیرا سنایی اندیشه‌های اصلاحی خود را با زبان شعر بیان داشته است و بیشتر مصلح اجتماعی است تا یک شاعر؛ آواز شعر به عنوان ابزاری برای اصلاح فرد و جامعه بهره‌برده است بنابراین دیوان سنایی منبع بسیار ارزشمندی برای دستیابی به ناهنجاری‌ها و پیامدهای ناشی از آن است و می‌توان با مطالعه دیوان سنایی سیمای جامعه، پیش چشم مجسم ساخت.

با استناد به این میراث کهن ادبی و تجزیه و تحلیل ساختاری و محتوایی متن بسیاری از مجهولات تاریخی، وجود ناهنجاری‌ها و علل هنجارشکنی‌ها در روزگار سلجوقیان آشکار می‌شود.

## ۲- ادبیات پژوهش پژوهش

درباره تعریف و تبیین هنجار و ناهنجاری، دیدگاه‌ها و تعاریف گوناگون و متعددی ابراز شده است که در ذیل به بعضی که مهمتر است و ما را در پیشبرد این پژوهش یاری می‌رساند، اشاره می‌شود.

### - تعریف هنجار و ناهنجاری اجتماعی

سیف‌اللهی در تعریف هنجار معتقد است: «هنجارهای اجتماعی عبارتند از: آداب و رسوم، سنتها، اخلاق، میثاقهای اجتماعی، قوانین و مقررات که جهت تنظیم روابط افراد در جامعه بنیان گرفته و افراد جامعه برای ادامه زندگی اجتماعی مکلف به قبول آن هستند. اگر فردی از افراد جامعه از قبول هنجارهای اجتماعی سرباز زند و یا این که آن را زیر پا بگذارد، جامعه در مقام اعتراض بر آمده و فرد خطا کار را تنبیه می‌کند» (۱۳۶۹: ۲۶۲) کوئن معتقد است هنجار، معیار تثبیت شده در یک فرهنگ خاص است که به چهار صورت: ارزش‌ها، آداب و رسوم، عرف‌ها و قوانین نمایان می‌شود. (کوئن، ۱۳۷۵: ۱۴۶) با توجه به این تعریف ناهنجاری به رفتاری اطلاق می‌شود که برخلاف ارزش‌ها، آداب و رسوم، عرف و قوانین عمل شود.

گولد و کولب می گویند: «هنجار معیار مشترکی بین اعضای گروه اجتماعی (است) که انتظار می رود اعضا خود را با آن همنا کنند و همنائی با آن از طریق مجازات مثبت و منفی تنفیذ می گردد.» (۱۳۷۶: ۹۱۸) پس «ناهنجاری گاه در مفهومی کاملاً مترادف با کجروی، و به مفهوم تخلف از ارزش ها و هنجارهای حاکم بر روابط اجتماعی به کار می رود و گاه در مفهومی کلی تر، به معنای ابعاد، ویژگی ها و حتی رفتارهای غیرمعارف و غیر معقول.» (سلیمی و داوری، ۱۳۸۶: ۱۱۸) «هنجارها، قواعد یا دستور العمل ها کنشی اجتماعی هستند و خطوط مطلوب و نامطلوب کنش را از هم متمایز می کنند. از این جهت نظم و انتظام و جهت گیری اجتماعی در جامعه همواره به کم و کیف این قواعد و ضمانت اجرای آنها بستگی دارد.» (یوسفی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۸۰)

«هنجار، رویه ای اساساً مبتنی بر عادات اجتماعی است و هنجار قانونی مبتنی بر سنت است ... هنجارهای اجتماعی عموماً از نوع هنجارهای مقرر هستند. یعنی اینکه افرادی که هدف هنجار اجتماعی اند با کسانی که ذینفع هنجارند، یکی هستند (کلمن ۱۹۹۰). به عبارت دیگر کسانی که ذینفع از هنجار هستند خود نیز هدف هنجار هستند و بالعکس کسانی که خود هدف هنجار هستند، از آن نفع می برند.» (چلبی، ۱۳۷۵: ۴۰) «ارزش هایی که در حوزه اجتماعی و فرهنگی جامعه وجود دارند بیشتر پایدار و مقاوم در مقابل تغییراند و بیشتر جنبه ماهوی و اظهاری دارند و مصرف آنها در روابط اجتماعی باعث افزایش و تکثیر آنها در جامعه می شود، مثل عزت، احترام، تعهد، معرفت، دوستی، اعتماد و صداقت. در مقابل، ارزشهایی که در حوزه اقتصادی و سیاسی جامعه وجود دارند، بیشتر متغیر و ایزاری هستند و مصرف آنها در روابط اجتماعی باعث تنزل و کاهش آنها در جامعه می گردد مثل زر و زور.» (همان: ۶۰)

«تضاد هنجاری، کار تنظیم اجتماعی، بویژه در بعد روابط بین گروهی را مشکل می سازد. با وجود تضادهای هنجاری تراکم روابط بین گروهی کاهش می یابد و با این کاهش، انسجام کلی نیز تضعیف می گردد. در واقع تضاد هنجاری جامعه را تبدیل به یک جامعه قطعه ای می نماید.» (همان: ۱۱۶) حال با توجه به این تعاریف به بررسی هنجار و ناهنجارهای اجتماعی عصر سلجوقیان با تأکید بر دیوان سنایی می پردازیم.

## ۲- پیشینه پژوهش

در زمینه ناهنجاریهای اجتماعی پژوهش های فراوانی صورت گرفته است که با بهره گیری از آثار بزرگان علم و ادب از جمله سیمای جامعه در آثار عطار دکتر سهیلا صرمی و تازیانه های سلوک دکتر محمد رضا شفیع کدکنی و سیمای جامعه در آثار سنایی دکتر مینو فطوره چی و همچنین مقاله جامعه شناسی موضوعی آثار سنایی دکتر مهدی نوریان و دیگران نگاشته شده است. سید مرتضی حسینی و صالح پرگاری مقاله ای با عنوان «تصوف و پیامدهای اجتماعی آن در دوره سلجوقیان» نوشته اند و در آن به عوامل گسترش تصوف و پیامدهای آن در دوره سلجوقیان و حمایت طبقه حاکمه از صوفیان و تلاش فقها در تلفیق شریعت و طریقت پرداخته اند و بیان داشته اند که هرج و مرج های عقیدتی دوره سلجوقی، جامعه را با بحران روبه رو می کرده و زمینه را برای گسترش تصوفی که با روحیه مردم سازگاری داشت، مهیا می کرده است.

اکرم کشفی در مقاله خود با عنوان «بازتاب مؤلفه های اجتماعی در یکی از متون ادبی سنایی غزنوی» به بعضی از مضامین اجتماعی پرداخته است و نتیجه گرفته است که شعر سنایی در ردیف بهترین اشعار اجتماعی سیاسی زبان فارسی است و سنایی را بزرگترین سراینده شعر اجتماعی در تاریخ ادبیات کلاسیک فارسی دانسته است که به نظر می رسد گفتاری نه چندان علمی باشد.

الهام رستاد و زینب رحمانیان در مقاله خود با عنوان «نقد طبقات اجتماعی در اشعار سنایی» بیشتر به ذکر ابیاتی پرداخته است که طبقات مختلف اجتماع به دیده انتقادی نگریسته شده اند و کمتر به دست به تحلیل علل ناهنجاری های اجتماعی پرداخته شده است.

اگر چه بزرگان اهل قلم در شروحاتی که بر دیوان ها نوشته اند و مقالاتی که در باره سنایی منتشر ساخته اند به برخی انتقادهای سنایی اشاره نموده اند اما به نظر می رسد نیاز به تحقیقی جامع در این خصوص است. این مختصر نیز نگاهی گذرا به

نابهنجاری های دوره سلجوقی و پیامدهای آن با تاکید بر دیوان سنایی به روش توصیفی و تحلیلی براساس منابع کتابخانه ای خواهد پرداخت. جامعه آماری این پژوهش، دیوان سنایی تصحیح محمد تقی مدرس رضوی است.

### ۳- تجزیه و تحلیل نابهنجاری های اجتماعی عصر سلجوقی

#### ۳-۱-۱- از بین رفتن ارزشها و جایگزینی ضد ارزشها

در دوره سلجوقی بعضی از ضد ارزش ها به دلیل تحولات سیاسی و اجتماعی و تأثیری که بر روحیه و شخصیت مردمان آن عصر گذاشته است جایگزین ارزش های اجتماعی شده است البته به این معنی نیست که عموم مردم آن هارا ارزش تلقی می کرده اند بلکه نزد عده ای ارزش محسوب می شده است. سنایی در ابیات فراوانی به کم شدن یاری رساندن به دیگران و منسوخ شدن وفاداری به عهد و پیمان اشاره کرده است. او به صراحت می گوید.

منسوخ شد مروت و معدوم شد وفا  
زین هر دو مانده نام چو سیمرغ و کیمیا  
شد راستی، خیانت و شد زیرکی، سفه  
شد دوستی، عداوت و شد مردمی، جفا  
گشته است بازگونه همه رسم های خلق  
زین عالم نبره و گردون بی وفا  
(دیوان: ۴۸)

#### ۳-۱-۱- اعتیاد

مصرف برخی از مخدرات شایع بوده و سنایی به آثار مخرب آن اشاره کرده است:  
از انگور است و خشخاش است اصل عنصر هر دو  
چرا دانش برد باده چرا خواب آورد افیون  
(دیوان: ۵۳۹)

زهر او آب رخ تریاک برد و پاک برد  
درد او بر لشکر درمان زد و بی باک زد  
(دیوان : ۸۵۲)

بنگ و افیون شود از بوی تو سرمایه ی عقل  
گر در آن کوی ، تو باشی بود افیون یا بنگ  
(دیوان : ۳۴۱)

#### ۳-۱-۲- باده نوشی

باده نوشی از بسامد بالایی در دیوان سنایی برخوردار است و این ابیات بیانگر ترویج آن بوده است و باده خواران در احوال مختلف برای فرح بخشی یا از بین بردن غم و شبها در مکان های خاصی مانند مصطبه به میگساری می پرداخته اند.  
شب نباشیم جز بمصطبه ها  
روز هر سو بگلخنی دگریم (دیوان: ۹۵۵)

#### ۳-۱-۳- برده داری و کامیابی از بردگان

در نظام حکومتی دوره سلجوقی ، بردگان از اموال فرمانروایان محسوب می شدند و از بردگان برای جنگاوری و کامیابی بهره می بردند و با توجه به ملیت و ویژگی های بردگان از آنها برای مقاصد مختلف سود می جستند. زمانی از آنان برای جنگ بهره می جستند و زمانی برای طرب:

جامه جنگ از سر خود بر کش و خوش طبع باش  
خانه لهو و طرب را یک زمان در باز کن (دیوان: ۹۸۱)  
خادمانرا ز بهر آن بخرند  
تا به رخسارشان فرو نگرند (دیوان: ۱۰۶۵)

سنایی به نژاد و ملیت بردگان و کنیزان اشاره دارد:

از چین و ختا و ختن و کاشغر آیند  
از تبت و یغما و ز خر خیز و تتارند (دیوان: ۷۶۸)

بردگان و کنیزان و نظام برده داری در عمق زندگی و اندیشه بزرگان و اشراف نفوذ کرده بود و سنایی به تعریض به بعضی از صوفیان نظر باز می گوید:

ای نظام الدین و فخر ملت ای شیخ الشیوخ  
چند ازین حال محال و چند ازین هجر و وصال  
کی توان مر ذو الجلال و ذوالبقا را یافتن  
در خط خوب تکین و در خم زلف ینال (دیوان: ۳۴۵)

صوفیان نظر باز شاهد بازی و زیبا پرستی "سنایی به ایشان می گوید: چه گونه می توان خدای ذو الجلال و جوادانه را در خط  
چهره زیبای تکین (غلامی زیبا روی) و در خم زلف ینال (غلامی زیبا روی) دید؟ (شفیعی کدکنی: ۴۰۴: ۱۳۷۲)

### ۳-۱-۴- تکبر و نخوت

برخی از افراد مرفه و ثروتمند دارای غرور و تکبری خاص بوده اند.  
گویی برهنه پایان بر من حسد برند  
هر چه دشوار است بر تو هم ز باد و بود تست  
هر که بنگرند بکفش ادیم ما (دیوان: ۵۸)  
در میان غرور و وهم و خیال  
گر تو سلطان نه ای سفیر مباش (دیوان: ۳۲۳)

### ۳-۱-۵- ریا و تظاهر

برخی تظاهر به دینداری می کرده اما در پس پرده چهره ای یا چهره هایی دیگر داشته اند.  
طیلسان موسی و نعلین هارونت چه سود  
چون بزیر یک ردی فرعون داری صد هزار  
(دیوان: ۲۱۰)

خرقه پوشان مزور سیرت سالوس ورز  
خویشتن را سخره قیماز و قیصر کرده اند  
(دیوان: ۱۴۸)

بخشش با نیت ریا کاری همراه بوده و افرادی برای ریا و تظاهر خرقة بر تن می کرده اند که سنایی از آنان انتقاد می کند:  
مال دادی لیک رویست و ریا اندر بنه  
کشت کردی لیک خوک است و ملخ در کشت زار (دیوان: ۱۸۷)  
جرعه درد صفا در ریز بر اصحاب درد  
خرقه پوشان ریا را بر قفا مخراق زن (دیوان: ۹۷۴)  
در همه عمر ار شبی قصد بمسجد کنی  
گر چه بروی و ریا بر کنی از مشعله (دیوان: ۵۹۴)

### ۳-۱-۶- تملق و چاپلوسی

بعضی از انسانهای همعصر سنایی برای رسیدن به مقاصدشان از تملق استفاده می کرده و مانند دامن، پای بوس افراد پست  
بوده و در مقابل خواسته های غیر منطقی و نا معقول، کمر تعظیم خم می کرده اند.

زان بی سرند همچو گریبان که از طمع  
پیوسته پای بوس خسیسان چو دامنند (دیوان: ۱۶۱)  
سگ پرستان را چون دم سگان  
بهر نان پشت دل و دین بخم است (دیوان: ۸۲)  
از خرد چشم اندکی بردار  
و ز کله پشم لختکی کم کن (دیوان: ۵۰۰)

### ۳-۱-۷- چند همسری

در دوره سلجوقی چند همسری مرسوم بوده و ثروتمندان و اشراف حرمسرا داشته اند و سنایی به تأثیر این رسم بر نظام خانواده  
اشاره کرده است:

خواجگانی که اندرین حضرت  
خویشتن محتشم همی دارند  
آن نکوتر که خادمان نخرند  
حرم اندر حرم همی دارند (دیوان: ۱۰۶۵)  
گلشن گلخن شود چون بستیزه کنند  
دریک خانه دوتن دعوی کدبانویی (دیوان: ۱۰۲۱)

### ۳-۱-۸- حرام خواری

بر سریر سروری از خوردن مال حرام  
شخص خود فربی و دین خویش لاغر کرده اند (دیوان: ۱۴۹)

### ۳-۱-۹- خوار شمردن انسان های فقیر

ژنده پوشانی که آنجا زندگان حضرتند  
تا نداری خوارشان از روی نخوت زینهار (دیوان: ۱۸۵)

سنایی مردم ستمدیده را به صبوری و شکیبایی فرا می خواند و به مردم را به جای مقابله با کجروی های اجتماعی به تحمل ظلم و ستم و شکیبایی در برابر بی عدالتی فرا می خواند. شاعر از افراد قدرتمند و ظالم انتقاد می کند و آنان را آدم صورتان سگ صفت می نامد.

|                                      |   |
|--------------------------------------|---|
| اندیرین زندان برین دندان زنان سگ صفت | روزکی چند ای ستمکش صبر کن دندان فشار            |
| تا ببینی روی آن مردم کشان چون زعفران | تاببینی روی آن محنت کشان چون گل انار            |
| گرچه آدم سیرتان سگ صفت مستولیند      | هم کنون بینند میدان دل عیاروار                  |
| جوهر آدم برون تازد بر آرد ناگهان     | زین سگان آدمی کیمخت و خر مردم دمار (دیوان: ۱۸۴) |

### ۳-۱-۱۰-دزدی و طراری

ترازو داران و بازاریان به دلیل ضعف اخلاقی و نداشتن تعهد به اخلاق دینی و انسانی دست به کم فروشی می زده اند این عمل نابهنجار در این دوره بسیار رایج بوده است :

|  |   |
|--|---|
| تو ای بازاری مغبون که طفلی را ز بی رحمی  | دهی دین تا یکی حبه ش ز روی حيله بستانی          |
| ز روی حرص و طراری نیارد وزن در پیش       | همه علم خدا آنکه که بنشین به وزانی (دیوان: ۶۸۲) |
| حبه دزدان از ترازو ها بر اطراف دکان      | طبع را در حبه دزدیدن مخیر کرده اند (دیوان: ۱۵۰) |
| زین عجایب تر که چون دزد از خزینت نقد برد | دیده بان کور گوش پاسبان کر گرفت                 |

(دیوان : ۸۳۵)

|                             |                            |
|-----------------------------|----------------------------|
| آنکه او کیسه ز طرار نگهدارد | بخرابات شود کیسه بطرار دهد |
|-----------------------------|----------------------------|

(دیوان : ۱۶۳)

|                            |                               |
|----------------------------|-------------------------------|
| بغداد را بطرفه بغداد بازده | اندرکمین بصره نشین و طرار گیر |
|----------------------------|-------------------------------|

(دیوان : ۲۹۷)

### ۳-۱-۱۱-دین به دنیا فروشی

در بیت بیت سنایی اشاره به عدم پای بندی به اوامر و نواهی شرع، رواج دین فروشی و تضاد دینی دارد:

|                                      |   |
|--------------------------------------|---|
| ای مسلمانان خلاق حال دیگر کرده اند   | از سر بی حرمتی معروف منکر کرده اند (دیوان: ۱۴۸)   |
| مسلمانان مسلمانان مسلمانی مسلمانی    | این آیین بی دینان پشیمانی پشیمانی                 |
| مسلمانی کنون اسمیست بر عرفی و عاداتی | دریغا کو مسلمانی دریغا کو مسلمانی (دیوان: ۶۷۸)    |
| شرع را یکسو نهادستند اندر خیر و شر   | قول بطلیموس و جالینوس باور کرده اند (دیوان: ۱۴۸)  |
| ای مسلمانان دگر گشته است حال روزگار  | زانکه اهل روزگار احوال دیگر کرده اند (دیوان: ۱۵۰) |
| کار و جاه سروران شرع در پای اوفتاد   | زانکه اهل فسق از هر گوشه سر بر کرده اند           |

(دیوان: ۱۴۸)

|  |  |
|--|--|
| دین به دنیا مده که هیچ همای            | ندهد پر به پرنیان و پرند                               |
| دین فروشی همی که تا سازی               | بارگی نقره خنک و زین زر کند (دیوان: ۱۵۳)               |
| دین حسین تست از و آرزو خوک و سگ است    | تشنه این را می کشی و آن هر دو را می پروری (دیوان: ۶۵۵) |
| چون تو دادی دین بدنی در ره دین کی کنند | پنج حس و هفت اعضا مر ترا فرمانبری (دیوان: ۶۵۵)         |
| بفروخته دین را بیکی کرده و کرده        | پوشیده تن خویش برنگی و عبائی (دیوان: ۶۱۲)              |

«در ادبیات فارسی میان این دو تقابل است از نوع تقابل تضاد زیرا بر منبر رفتن و بردار رفتن است در یکی حاصل مرگ است و در دیگری اعتبار و قدرت یافتن.» (شفیعی کدکنی ۱۳۷۲: ۴۵۹) با این وجود سنایی بر منبر رفتن از سر شهوت و کسب اعتبار دنیای و مادی را برابر با بر روی دار رفتن گرفته است:

|                                      |   |
|--------------------------------------|---|
| تا بخشم و شهوتی بر منبر اندر کوی دین | بر سر داری اگر چه سوی خود بر منبری (دیوان: ۶۶۲) |
|--------------------------------------|---|

### ۳-۱-۱۲-ربا خواری

فقها را غرض از خواندن فقه  
خنده آید مر مرا ز آنها که از سیم ربا  
حیله بیع ربا و سلم است  
درگه رفتن کفن از دیبه شوشتر برند  
(دیوان: ۸۲)  
(دیوان: ۱۵۵)

### ۳-۲-سستی اعتقادات و تظاهر به دینداری

در سماع و پند اندر دیدن آیات حق  
قاریان ز الحان ناخوش نظم قرآن برده اند  
چشم عبرت کور و گوش زیرکی کر کرده اند  
صوت را در قول همچون زیر مزمز کرده اند  
(دیوان: ۱۴۸)  
(دیوان: ۱۴۹)  
برهنه تا نشد قرآن ز پرده ی حرف پیش تو  
باخماس و باعشار و بادغام و امالت کی  
ترا گر جان بود عمری نگویم کاهل قرآنی  
ترا رهبر بود قرآن بسوی سر یزدانی  
رسن دادت ز قرآن تا ز چاه تن برون آیی  
که فرمودت رسن بازی ز راه دیو نفسانی  
(دیوان: ۶۸۵)

خرقه پوشان گشته اند از بهر زرق و مخرقه  
دین فروشان گشته اند از آرزوی جاه و مال  
(دیوان: ۳۴۵)

### ۳-۳-سوء استفاده جنسی از کودکان

کودکان خرد را در پیش مستان می دهند  
مر مخنت را امین خوان و دختر کرده اند  
(دیوان: ۱۵۰)

### ۳-۴-ظلم و ستم حاکمان

پادشاهانی که درگاه خود را بر داد خواهان همچون  
پادشاهان قوی بر دادخواهان ضعیف  
سد سکندر ساخته اند و ظالمانه بر مردم حکمرانی می کرده اند.  
مرکز درگاه را سد سکندر کرده اند  
(دیوان: ۱۴۸)  
امرا را ز پی ظلم و فساد  
پادشا را ز پی شهوت و آرز  
تا که دهقانان چو عوانان قبا پوشان شدند  
خواجهگان دولت از محصول مال خشک ریش  
سنایی در دیوان خویش همواره از سیطره ترکان سلجوقی و نظام ظالمانه آنان انتقاد می کند:  
ملک عمر و و زید را جمله به ترکان داده اند  
خون چشم بیوگان را نقش منظر کرده اند  
(دیوان: ۱۴۸)

### ۳-۵-مال اندوزی

مال اندوزانی که با روا داشتن ظلم بر مردم، فقط اموال خود را می افزوده اند و همچنین فقیهان و عالمان در وفور نعمت می زیسته اند ولی وانمود می کرده اند ثروت برای استحکام دین می خواهند:  
گویی از بهر حشمت علم است  
علم از این بار نامه مستغنی است  
این همه طمطراق خنک و سمنند  
تو برو بر بروت خویش مخند  
(دیوان: ۱۵۳)  
تو ای عالم که علم از بهر مال و جاه می خواهی  
امرا را ز پی ظلم و فساد  
ای خداوندان مال الاعتبار الاعتبار  
گرد خرسندی و بخشش گرد زیرا طمع و طبع  
مالداران توانگر کیسه درویش دل  
صاحبان قدرت با تصاحب قدرت سیاسی، هم قدرت بدست آوردند هم ثروت. ثروت اندوزی در جامعه رواج داشت. سنایی کسانی را که برای کسب ثروت و مال از دین و آیین خویش می گذشتند به باد انتقاد گرفته است:  
امرا را ز پی ظلم و فساد  
سگ پرستان را چون دم سگان  
دل به زور و زر و خیل و حشم است  
بهر نان پشت دل و دین بخم است  
(دیوان: ۸۲)

مرد ظالم خرسند بدین  
ای دریده یوسفان را پوستین از راه ظلم  
گر همی عمر ابد خواهی بپرهیز از ستم

که گویند فلان محترم است (دیوان: ۸۳)  
باش تا گرگی شوی و پوستین خود دری (دیوان: ۶۶۱)  
زانکه از روی ستمکاریست اندک عمر باز (دیوان: ۳۰۲)

### ۳-۶- عالمان بی عمل

علما به آنچه می دانستند و به دیگران توصیه می کردند خود اعتقادی نداشتند و به آن عمل نمی کردند:  
عالمان بی عمل از غایت حرص و امل  
عالمان را از خلاف است این همه طاق و جناغ  
عالم آمد این سخن مخصوص فردا روز حشر  
تو ای عالم که علم از بهر مال و جاه می خواهی

خویشتن را سخره اصحاب لشکر کرده اند (دیوان: ۱۴۸)  
عاملان را از خلافت این همه تیغ و سپر (دیوان: ۲۶۳)  
عالمان بی عمل از کرد خود کیفر برند (دیوان: ۱۵۵)  
بسوی خویش دردی، گر بسوی خلق درمانی (دیوان: ۶۸۳)

### ۳-۷- غازیان غارتگر

غازیان را ز پی غارت و سهم  
قوت از اسب و سلاح و خدم است (دیوان: ۸۲)

### ۳-۸- تقلب کردن و مزوری

از نفاق اصحاب دار الضرب در تقلیب نقد  
کار عمال سرای ضرب همچون زر شده است  
ای سنایی چندلاف از خواجه و مهترزنی  
(دیوان: ۶۹۱)

مومنان زفت را بی زور و بی زر کرده اند  
زانکه زر بر مردمان یک سر مزور کرده اند (دیوان: ۱۵۰)  
دارقلابان نهی بی مهر سلطان زر زنی

زر زند بی مهر سلطان برمراد خویشتن  
(دیوان: ۱۵۸)

### ۳-۹- قلاشی و چپاول

قلاش به کسی گویند که با سماجت از مردمان مال بستاند، کلاش:  
یک شهر خبر که زاهدی شد قلاش  
در وی نفری دیدم پیران خراباتی

چون پرده دریده شد کنون مارا باش  
(دیوان: ۱۱۴۵)

قومی همه قلاشان چون دیو بیابانی (دیوان: ۶۶۷)

### ۳-۱۰- قماربازی

مردم در خرابات و میخانه علاوه بر شرب خمر به قمار می پرداختند:  
می پرستی پیشه گیر اندر خرابات و قمار کمزن و قلاش و مست و رند و دردی خوار باش (دیوان: ۳۱۱)  
از این امر ناپسند، برداشتی و کاربردی عارفانه می کند:  
قمار خانه دل را همیشه در باز است  
نکرد هیچکس این در بروی خلق فراز (دیوان: ۸۹۹)

### ۳-۱۱- گدایی

بدهی این گدای گرسنه را  
حاجیان را ز گدائی و نفاق  
در مناسک از گدایی حاجیان حج فروش

بدل نان برنج پرورده (دیوان: ۵۹۰)  
هوس وهوش بطلیل و علم است (دیوان: ۸۲)  
خیمه های ظالمان را رکن و مشعر کرده اند (دیوان: ۱۴۹)

### ۳-۱۲- مالیات سنگین و فاصله طبقاتی

با اخذ خراج سنگین فقر و تنگدستی رواج یافته است و فاصله طبقاتی در میان مردم بسیار زیاد بود.

|                                  |                                |
|----------------------------------|--------------------------------|
| گر چه از مال و گندم نه بوجه      | هم خزینه ات پر است و هم انبار  |
| بس تفاخر مکن که اندر حشر         | گندمت کژدم است و مالت مار      |
| یکی بین آرمیده در غنا غرق        | یکی پویان و سرگشته ز افلاس     |
| همسایه تو گرسنه دو روز یا سه روز | تو بسته سر ز تخمه حلوا و روغنی |

### ۳-۱۳- نفاق و دورویی

عالم پیر منافق تا مرقع پوش گشت خرقه پوشان الهی زیر یکتائی شدند (دیوان: ۱۵۲)

### ۳-۱۴- بی توجهی به یتیمان و بیوگان

سنایی به وضع مشقت بار و زندگی سخت زنان و کودکان بی سرپرست، برای تامین معاش اشاره کرده است. چنانکه بیوه ها به دلیل وضعیت معیشتی با کار طاقت فرسا و فشارکاری زیاد به بیماری هایی دچار می شده اند و در معرض آسیب های اجتماعی قرار می گرفته اند. سنایی مردم عصرش را به پرهیز از مال یتیم خوردن و به یتیم نوازی و غریب نوازی دعوت می کند.

|   |   |
|---|---|
| فرش تو در زیر پا اطلس و شعر و نسیم        | بیوه ی همسایه را دست شده آبله                     |
| ملک عمر و و زید را جمله به ترکان داده اند | خون چشم بیوگان را نقش منظر کرده اند (دیوان: ۱۴۸)  |
| ای یتیمی دیده اکنون با یتیمان لطف کن      | وی غریبی کرده اکنون با غریبان کن وفا (دیوان : ۳۸) |
| از برای حرص سیم و طمع در مال یتیم         | حاکمان حکم شریعت را مبرتر کرده اند (دیوان: ۱۴۸)   |

### ۳-۱۵- رواج رذایل اخلاقی

رذایل اخلاقی و رفتاری مانند تکبر، شهوت، طمع، بخل، حسد، حرص و دروغ رونق داشته است.

|   |   |
|---|---|
| هر چه دشوار است بر تو هم ز باد و بود تست  | ور نه عمر آسان گذارد مردم آسان گذار                 |
| در میان غرور و وهم و خیال                 | گر تو سلطان نه ای سفیر مباش                         |
| ز حرص و شهوت و کینه ببر تا زان سپس خود را | اگر دیوی ملک یابی و گر گرگی شبان بینی (دیوان: ۷۰۶)  |
| حرص و شهوت در تو بیدارند خوش خوش تو مخسب  | چون پلنگی بر یمین داری و موشی بر یسار (دیوان: ۱۸۷)  |
| طمع و حرص و بخل و شهوت و خشم              | حسد و کبر و حقد بد پیوند                            |
| هفت در دوزخند در تن تو                    | ساخته نفسشان در و در بند (دیوان: ۱۵۳)               |
| جاهلان را چاره نیست از نسبت پست دروغ      | مار مهره جوی نادان نیست دور از زهر مار (دیوان: ۲۱۹) |

### ۴- نتیجه گیری

با تهاجم و تداوم سلطه ترکان سلجوقی و بی کفایتی آنان و قدرت و نفوذ اشراف و درباریان و غازیان و دیگر عوامل اجتماعی، بسیاری از رذایل اخلاقی در جامعه رواج یافته، بسیاری از نابهنجاری های اجتماعی در جامعه رایج شده و سنایی نظاره گر نظام ظالمانه حکام و کجرفتاری های اجتماعی بوده است و البته سکوت نکرده و در مقابل ظلم و تعدی حاکمان نابهنجاری های جامعه، معترضانه واکنش نشان می دهد. سنایی، در برابر پرداخت مالیات های سنگین که فقر و تهیدستی مردم ضعیف را در پی داشته و نا برابری ها و فاصله طبقاتی را دامن می زده است لب به اعتراض گشوده است. جایگزینی ضد ارزش ها مانند حرص، طمع، ریا کاری و تظاهر و... به جای ارزش های اخلاقی و به طور کلی از فرایند حقارت انسان و سر خوردگی و پایمال شدن ارزش های انسانی و استفاده از بردگان برای کامیابی، انتقاد می کند. سنایی رفتار و کردار نابهنجار همه طبقات اجتماعی را از جمله پادشاهان ستمکار شهوت پرست، علما و فقهای بی عمل، حاجیان حج فروش، بازاریان کم فروش و خرقه پوشان متظاهر و دینداران دین فروش و ثروتمندان مال اندوز خسیس به نقد می کشد. سنایی از زندگی دشوار زنان و کودکان بی سرپرست

شکایت می کند. این انتقادات و اعتراضات نشان از بروز هنجار شکنی ها و حاکمیت ضد ارزش ها در جامعه دارد. دیوان سنایی و البته اشعار همه شعرای مصلح، بهترین منبع در کنار منابع تاریخی برای شناخت جوامع است.

#### منابع

۱. امین، سید حسن، (۱۳۸۴) ادبیات معاصر ایران، چاپ اول، انتشارات دایرة المعارف ایران شناسی
۲. چلبی، مسعود، (۱۳۷۵) جامعه شناسی نظم تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نی
۳. حسینی، سیدمرتضی و صالح پرگاری، (۱۳۸۹) تصوف و پیامدهای اجتماعی آن در دوره سلجوقیان، تاریخ در آیینها پژوهش، ج ۷، ش ۳۹، ۳-۴۸.
۴. رستاد، الهام و زینب رحمانیان، (۱۳۹۵)، «نقد طبقات اجتماعی در اشعار سنایی» فصلنامه شعر و زبان معاصر، دوره اول، ش ۲، صص ۱-۱۰.
۵. سلیمی، علی، داوری، محمد، (۱۳۸۵)، مجموعه مطالعات کجروی و کنترل اجتماعی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
۶. سیف اللهی، سیف الله، (۱۳۶۹)، مبانی جامعه شناسی، بی جا، دانشگاه پیام نور
۷. شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۷۲)، تازیانه های سلوک، تهران: آگاه.
۸. قدیانی، عباس، (۱۳۷۶)، فرهنگ فشرده تاریخ ایران از آغاز تا پایان قاجاریه، تهران: جاودان خرد.
۹. قدیانی، عباس، (۱۳۸۴)، تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران در دوره غزنویان تا پایان خوارزمشاهیان، تهران: فرهنگ مکتوب.
۱۰. کشفی، اکرم، (۱۳۹۴) «بازتاب مؤلفه های اجتماعی در یکی از متون ادبی سنائی غزنوی»، کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی.
۱۱. کوئن، بروس، (۱۳۷۵)، ترجمه محسن ثلاثی، در آمدی بر جامعه شناسی، تهران: توتیا
۱۲. لیتل، دانیل، (۱۳۷۳)، ترجمه سروش عبدالکریم، تبیین در علوم اجتماعی، تهران: موسسه فرهنگی صراط
۱۳. مدرس رضوی، محمدتقی، (۱۳۶۲)، دیوان سنایی، تهران: سنایی.
۱۴. مهربان، جواد، (۱۳۸۷)، جامعه شناسی شعر فارسی از ابتدا تا پایان دوره سلجوقیان، مشهد: تابران.
۱۵. یوسفی، غلامحسین، (۱۳۸۳)، چشمه روشن، دیداری با شاعران، تهران: علمی.